

با خدا و همسایه تان محبت کنید - ۲

محبت وافر خدا: در مورد محبت خدا چه چیز وافر است؟

یوحنا ۱۵: ۱۷-۱۵

در جاهای مختلف کتاب مقدس می بینیم که خدا اسرار را برای کسانی که دوستشان دارد فاش می کند. دومین چیزی که برجسته است این است که او ما را انتخاب می کند، حتی قبل از اینکه او را بشناسیم. او ما را به خاطر این انتخاب نمی کند که ما زندگی خوبی داریم. نه، او ما را قبل از اینکه خوب زندگی کنیم انتخاب می کند. محبت خدا به انتخاب او برای ما مربوط می شود. انتخاب او جاودانه است.

لوقا ۱۵: ۱۱-۱۳، ۲۰-۲۳

بسیاری از پدران اگر از قبل بدانند که پسران شان از یک چیز استفاده نادرست می کنند، از دادن آن چیزی به پسرانشان خودداری می کنند. در این داستان می بینیم که پدر پسر کوچکش را رها می کند و آنچه را که می خواهد به او می دهد. او این انتخاب را به پسرش واگذار می کند که میخواهد با پدرش زندگی کند یا با خود تنها زندگی کند.

بعداً وقتی همه چیز خراب شد، می بینیم که پدر هنوز هم در انتظار بازگشت پسرش ایستاده است. او در انتظار پسر است. به محض بازگشت پسر، و حتی قبل از اینکه پسر کلمه ای بگوید، بدون قید و شرط، شفقت پدری وجود دارد و به دنبال آن بازگردانی ارزش، عزت و اقتدار وجود دارد. به این گونه محبت، محبت وافر می گویند!

رومیان ۳: ۳-۴

تقاضای خداوند برای محبت وافر

یوحنا ۱۵: ۹، ۱۲، ۱۳

خداوند هرگز از ما نمی خواهد کاری را انجام دهیم که خودش انجام نداده است. او اسرار خود را به ما می گوید. او برای ما انتخاب می کند. او حتی پسرش عیسی را فرستاد تا برای ما بمیرد. این محبت وافر است. و این همان چیزی است که او از شما نیز می خواهد و شما را قادر به انجام آن می سازد زیرا شما فطرت خدا را گرفته اید. از آنجا که او شما را به شدت دوست دارد، شما می توانید از طریق طبیعت محبت آمیز رادیکال عیسی در شما، خدا و دیگران را به طور وافر دوست داشته باشید.

یوحنا ۱۳: ۳۴

عیسی در اینجا به شاگردانش می گوید که باید یکدیگر را دوست داشته باشند. این یک فرمان جدید است. در عهد عتیق مهمترین فرمان برای یهودیان این بود: خدا را بیش از هر چیز دوست بدار و همسایه خود را مانند خود دوست بدار.

پس چه چیزی نو شده است؟ عیسی چیزی به این جمله کوتاه از عهد عتیق اضافه می کند. او می گوید: همانطور که من شما را دوست داشتم، شما نیز باید یکدیگر تانرا را دوست بدارید.

عیسی آمد تا محبت پدر را نشان دهد. او در محبت با پدر زندگی کرد. اساساً به این معنی بود که آنچه پدر از او خواسته بود انجام داد. عیسی در محبت خود افراطی بود. او خانه پدرش را ترک کرد. او اقتدار خود را رها کرد. فقیر شد. سرانجام او محبت خود را داد تا بسیاری نجات یابند. این محبتی است که آماده است تا بهای آن را بپردازد. عیسی نیز از ما می خواهد که این کار را انجام دهیم!

مثال

لحظات مختلفی در زندگی ام بوده که نتوانسته ام دیگران را دوست داشته باشم، چه به دلیل شخصیت متفاوت آنها و چه به دلیل درد ناشی از آنها. باید یاد میگرفتم که علیرغم

تمام تلاش هایم برای محبت ورزیدن، همچنان کوتاهی میکردم. هر بار که به منبع محبت یعنی عیسی روی می آوردم، کمک می آمد. او محبتی را که لازم داشتم به من داد تا بتوانم مردم را با تمام وجودم دوست داشته باشم.

گام برداشتن در پادشاهی خدا به محبت وافر نیاز دارد، اما چگونه؟

یوحنا ۱۷: ۲۰-۲۳

وحدت

عیسی در اینجا با شور و اشتیاق فراوان دعا می کند که شاگردانش در اتحاد زندگی کنند زیرا در این صورت جهان خواهد دید که خدا محبت است. وحدتی که عیسی به آن اشاره می کند، نه از این که ما با دیگران موافق باشیم، بلکه با گوش دادن به کلام خدا در اعماق درون ما به وجود می آید. خداوند از ما می خواهد که یکدیگر را دوست داشته باشیم. همانطور که پدر دیگران را می پذیرد، از ما نیز می خواهد که این کار را انجام دهیم. از طریق رابطه خود با عیسی، محبت پدر در شما می تواند به شما کمک کند که دیگران را دوست داشته باشید و آنها را همانطور که هستند بپذیرید. به عنوان مثال: ما اغلب در مورد اعمال یا عادات بد یک نفر با افراد دیگر صحبت می کنیم، اما آیا با خود شخص در مورد آن صحبت می کنیم؟

عیسی با محبت و حقیقتی که مردم را آزاد می کند آمد. او نه تنها با حقیقتی که قضاوت می کند، بلکه با محبت به مردم و با حقیقتی که به آزادی آنها کمک می کند، آمد.

متی ۵: ۴۳-۴۵

محبت با دشمنان تان

از پیروان عیسی نه تنها خواسته می شود که همسایه خود را دوست داشته باشند، بلکه حتی دشمن خود را نیز دوست داشته باشند. «کوری تن بوم» در کتاب خود می نویسد که روزی در آلمان درباره بخشش و محبت صحبت می کرد. در پایان جلسه پیرمردی نزد او آمد. از او طلب بخشش کرد. کوری آن مرد را شناخت که خواهرش را در جنگ جهانی دوم کشته بود. درد، خشم و همه چیز در او ظاهر شد. حالا در مقابل او این انتخاب قرار داشت که آیا برای همیشه او را ببخشد یا همیشه از او نفرت کند. کوری بخشیدن را انتخاب کرد. تصور کنید که اگر این اصل در خاورمیانه اعمال شود؛ آیا می دانید که این حقیقت چقدر قدرتمند است؟ جهان کاملاً متفاوت به نظر خواهد رسید. اگر یک نفر از نفرت دشمن خود دست بردارد، شاهد چه یک دگرگونی شگفت انگیزی خواهیم بود!

لوقا ۱۴: ۲۶-۲۷

عیسی در درجه اول

البته عیسی نمی خواهد که شما از خانواده خود متنفر باشید. برای مثال در عهد عتیق می خوانیم که باید به والدین خود احترام بگذاریم. با این حال، او از ما می خواهد که همه چیز را در این دنیا، در مقابل محبت خود به خدای پدر و عیسی، در درجه دوم قرار دهیم. عیسی خودش همینگونه زندگی می کرد و به عنوان نمونه ای برای ما بود.

محبت در زندگی روزمره چگونه است؟

لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷

در این داستان عیسی به ما می گوید که محبت به خدا چیست. رهبران مذهبی فردی را می بینند که غارت شده و زخمی روی زمین افتاده است. آنها مثل طاعون گرفتگی از او دوری می کنند. مگر برخورد سامری متفاوت است. او کمک می کند و حتی مصارف تداوی اش را می پردازد.

عیسی نه تنها در مورد اعمال مذهبی بلکه در مورد محبت عملی صحبت می کند. این به معنای همدردی با همسایه نیازمند و انجام کاری برای آن است. عیسی با طرز زندگی خود نشان می دهد که خدا چگونه می خواست این حکم اجرا شود. چیز دیگری که عیسی می خواهد در این داستان بگوید این است که نژادپرستی در پادشاهی خدا جایی ندارد. سامریان مورد محبت یهودیان نبودند. عیسی محبت خدا را در زندگی زمینی خود به فرهنگ های دیگر نشان می دهد. فرهنگ هایی که در آن زمان محبوب و دوست داشتنی نبودند.

اگر عاشقانه زندگی نکنید، اجرای اعمال دینی برای خدا معنایی ندارد. به عبارت دیگر، می توانید به کلیسا بروید، دعا کنید و کتاب مقدس خود را بخوانید، اما اگر زندگی عاشقانه نداشته باشید، پیام بی ارزش است.

کلیسای اولیه در عمل

خصوصیات کلیسای اولیه چه بود؟

اعمال رسولان ۲: ۴۳-۴۷

در کتاب اعمال رسولان میخوانیم که چگونه کلیسای اولیه تأسیس شد. یکی از خصوصیاتش این بود که کلیسا در توجه مردم مثبت بود. محبت در کلیسای اولیه به وضوح قابل تشخیص بود. شما می توانید این را در نحوه کمک آنها به یکدیگر و زندگی مشترک شان با هم مشاهده کنید.

آنها خدمات معبد و مذهب موجود را نادیده نمی گرفتند. اما آنها شروع به زندگی متفاوت در محیط خود کردند که منجر به پیوستن دیگران به پیروان عیسی شد.

اعمال رسولان ۱۶: ۱۶-۳۱

پولس وارد قلمرو جدیدی می شود. موعظه های او، او را به مشکلات می کشاند. در زندان مقاومت نمی کند، برعکس در زندان با دوستش شروع به عبادت خدا می کند. نتیجه بسیار عظیم است. زلزله ای رخ می دهد و درهای زندان همه باز می شود. نگهبان زندان می خواهد خودش را بکشد. اما پولس فرار نمی کند، بلکه پیام انجیل را به نگهبان زندان و خانواده اش شریک می سازد. این منجر به یک مراسم غسل تعمید می شود.

تمرین

از خدای پدر بخواهید که به شما اجازه دهد محبت او را نسبت به خود تجربه کنید. دعا کنید که خدا به شما کمک کند تا این محبت را با دنیای اطراف خود نیز به اشتراک بگذارید.

آیا در موقعیت هایی هستید که در آن برخی افراد را به عنوان دشمن تجربه می کنید؟ آیا افرادی هستند که می خواهند زندگی شما را بدبخت بسازند؟ آیا افرادی هستند که ترجیح می دهید از آنها دوری کنید؟

از خدای پدر بخواهید که به شما اجازه دهد آنها را با چشم و قلب او ببینید.

گام برداشتن در پادشاهی یک گام با نقاط بالا و پایین است. با مربی خود بحث کنید که چگونه می خواهید این درس در مورد محبت را عملی کنید.

با خوانش کتاب اعمال رسولان مطالعه کنید که چگونه کلیسای اولیه از طریق محبت نشان می دهد که تفاوت بین اعمال مذهبی و زندگی بر اساس پادشاهی خدا چیست.

اصل بیست و پنجم

از آنجا که خدا شما را به صورت وافر دوست دارد، شما نیز می توانید از طریق ماهیت محبت افراطی عیسی در شما، خدا و همسایه خود را به طور وافر دوست داشته باشید.

